■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۶۹۶ ■ دوشنبه ■ ۱۸ مرداد ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۲۰/۲۱ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۴/۴۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۸

سخن روز

امام صادق (ع): هرکس دوست دارد روز قیامت، بر سر سفره‌های نور بنشیند باید از زائران امام حسین علیه‌السّلام باشد.

بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۷۲

سیدعباس صالحی: اهمیت انتشار خبرهای راستین در روزگار فعلی

هر حادثه که پدید می‌آید و هر فضای جدیدی که ساخته می‌شود، ابعاد تازه‌ای از اهمیت خبر و خبررسانی بر ما آشکار می‌شود. از تحولات علمی و اقتصادی و اجتماعی گرفته تا رویدادهای نظامی و سیاسی، همه نیاز به یک خبرنگار و خبررسان دارند که جامعه و جهان را آگاه کنند چه اگر این کار نشود، گویا که رخ نداده‌اند. در روزگاری که اخبار دروغین و جعلی با سامانه‌های ماشینی تکثیر شده و به وفور منتشر می‌شوند، بیش از هر زمان نیاز به خبرنگارانی صادق، شجاع و دوراندیش داریم که با تکیه بر بصیرت روییده در میان «زمینِ تجربه‌ها» و «آسمانِ فرهنگ»، اصل خبر را کشف کرده تا به جامعه و جهان برساند. چنین خبرنگاری یک مهره در ماشین خبر نیست، او هم ماهیت خبر را می‌شناسد و اصالت آن را تأیید می‌کند و هم دنیای مخاطب و نیازها و پیامدهای آن را با تمام وجود حس می‌کند. خبرنگار علاوه بر آنکه به هر دو سویه عرصه رویدادها و جامعه آگاهی دارد، در هر لحظه، به نقش مؤثر و جایگاه رفیع خودش هم در این میانه وقوف دارد.

بخشی از پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت روز خبرنگار

سرنوشت.سرنوشت‌من! آخ که زندگی چه بی‌مزه است. آدمی نمی‌تواند برای هیچ چیز به آن دل ببندد، جز رسیدن به معرفتی اندک درباره خودش و خرمنی از حسرت‌هایی که آتش آن خاموش نمی‌شود.

دل تاریکی، جوزف کنراد
صالح حسینی، نشر نیلوفر

نـــگاره

نیما شاه میری

برق همچنان در وضعیت قرمز

به جست‌وجوی خانه ادبیات در نقشه تهران

ادبیات دست بر قضا...

پیاده‌رو

ارمغان بهداروند
شاعر

بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان در خانه‌ای عاریتی در کوچه نوید نفس می‌کشید. ساختمانی قدیمی که دیوارهای آجری‌اش زیر شاخ و برگ درخت گل کاغذی، شاعرانه‌تر به نظر می‌رسید. می‌گفتند تازه «شعر» را به تکالیف بنیاد اضافه کرده‌اند. در همه سال‌های پیش از آن، مدیریت «ادبیات» مدیریتی جزیره‌ای بود و هر بخش از این بخت برگشته را مؤسسه‌ای و سلیقه‌ای اداره می‌کرد و صدالبته از گوشتِ قربانی ادبیات، هیچ عاید اهالی‌اش نمی‌شد. آن خانه اجاره‌ای چنان پررفت‌وآمد شده بود که به شکایت همسایگان پلمب شود. در آن روزها «سیدعباس صالحی» معاونت فرهنگی وقت بود و منصفانه اگر بخواهیم قضاوت کنیم هیچ برای خوش‌سرنوشتی بنیاد کم نگذاشته بود. بنیاد به ساختمانی در خیابان سنایی اسباب‌کشی کرد و خبر خوش آن سال برای بنیادی‌ها؛ وزیر شدن معاون حمایت‌گر آنها بود. بنیاد به لطف آدم‌های ادبیاتی‌اش قد کشید و به بضاعت خود می‌کوشید که به کوتاه‌تر کردن دست غیرادبیاتی‌ها از ادبیات بکوشد و صدالبته ناگزیر بود که در مرز جناحین ادبی، جانب احتیاط را نیز فرونگذارد. تدارک تقویم قطعی رویدادها، انتخاب به وقت دبیران جوایز، برخورداری شهرستان‌ها از عواید مالی و معنوی رویدادها، تعمیم محافل ادبی به سراسر کشور، برگزاری کارگاه‌های ادبی ذیل تقویم اجرایی رویدادها، تأسیس پایگاه‌های نقد شعر و داستان و نشست‌های هفتگی ادبی از مهمترین اتفاقات سالیان برقراری نظم و نظام بنیاد بود که با همه موافقان و مخالفان خود، لااقل موقعیت ادبیات را در ساختار تصدی فرهنگ و هنر دولت حفظ کرده بود.

بنیاد به برکت آدم‌هایش که هیچ شباهتی به کارمندهای مرسوم نداشتند؛ کارآمد شده بود. عیال اندکی که همگی دستی بر آتش ادبیات داشتند و به هر نوبت که به دلیلی سری به آن عمارت می‌زدی؛ می‌توانستی این ابیات را زمزمه کنی که: اندک اندک جمع مستان می‌رسند/ اندک اندک می پرستان می‌رسند.

قصه تجمیع مؤسسات که به میان آمد؛ دیواری کوتاه‌تر از ادبیات پیدا نشد. از میان ۳۶ مؤسسه تابعه در بخش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تنها این بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان بود که با ادغام در دو مؤسسه نه چندان منطبق، به خاکستر نشست. متولیان طرح؛ اجرای این مصوبه را گام بلندی در جهت بهره‌وری و انسجام بیش از پیش این مؤسسات ارزیابی می‌کردند اما اگر فقط وفقط به وضعیت امروز ادبیات در مؤسسه تازه تأسیس خانه کتاب و ادبیات ایران، نگاهی دلسوزانه بیندازیم متوجه واقعیاتی خواهیم شد که هیچ‌کدام از اهداف طرح تجمیع در آن رعایت نشده است. صیانت از معیشت کارکنان، بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌ها، منابع و اموال منقول و غیرمنقول مؤسسات در اجرای طرح‌ها، افزایش بازدهی و ارتقای بهره‌وری مؤسسات؛ مهمترین شاخصه‌هایی عنوان شدند که قرار بود احوال خوش‌تری برای ادبیات رقم بزنند اما کافی است اگر در میان همه مصایب کرونایی این روزها، سری به ساختمان جدید ادبیات در کوچه‌ای در خیابان انقلاب بزنید. حتماً پیش از هر چیز دلتنگ آدم‌هایی خواهید شد که به دیدن‌شان می‌شد دقایقی را در هوای ادبیات نفس کشید. آدم‌هایی که از محل اندک اعتبار ادبیات، آموزش دیدند و کارآموخته شدند و درست در زمان بهره‌وری، از سر ناگزیری به دیگر مؤسسات پیوستند. اهالی ادبیات با همه ناخرسندی‌های خود از طرح تجمیع و علی‌رغم همه اعتراض‌ها و انتقادها؛ شنیده نشدند و اکنون از آن ظرفیت به خون دل ایجاد شده، چیزی باقی نمانده است. آیا مشکل طرح تجمیع فقط با تجمیع اماکن حل می‌شد که پیش از هر چیز، آن سقف تازه به دست آمده را بر سر اهالی ادبیات آوار کردند. با دست بسته چه توقعی می‌توان از مدیران این روزهای «مرکز گسترش ادبیات» - نام تازه تصدی دولتی ادبیات- داشت که آن چه در آیینه آن طرح دیده بودند، اتفاق نیفتاد. در خاطر دارم که در آغازین روزهای سال ۱۳۹۸ شورای شهر تهران را قسم داده بودیم که خانه‌موزه‌های نیما و جلال را به محلی برای دیدارها و گفت‌وگوهای اهالی ادبیات تبدیل کنند و نمی‌دانستیم که روزی همان اندک حیاط مشجر ساختمان خیابان سنایی را باید در راستای «بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌ها» تخلیه کنیم. آن خانه از اعتبار ادبیات و به خرج آبرو خریداری شده بود و بسیار بیشتر از ارزش ریالی‌اش برای ادبیات ارزش افزوده ایجاد کرده بود.

کم‌رنگ شدن ادبیات قطعاً نمی‌تواند به نفع تصدی دولتی ادبیات باشد و هیچ اشکالی نخواهد داشت اگر اغلاط طرح تجمیع مؤسسات را به مدد تجربیات پیش آمده و دورنمای فردا دوباره‌خوانی کنیم و به عقب برنگردیم. اهالی ادبیات نجیب‌تر از آن هستند که همچون همیشه همقدم نباشند.

کتیبه زخم

عبدالرحیم سعیدی‌راد
شاعر

توفان «محرم» در همه شهرها و روستاها می‌وزد. درختان به احترام نام «حسین(ع)» خم می‌شوند.
صدای طبل عزا در خیابان و کوچه‌ها می‌دود.
بوی سیب از سمت کربلا به «مشام» نه! به «شام» می‌رسد.
و کربلا چیست جز سرزمینی گداخته که می‌تواند تمام دل‌های تشنه را سیراب کند.
و کربلا آبروی همه خاک است؛ خاکی که هر ذره آن مهر نماز عاشق‌ترین بندگان خداست.
و کربلا نخلستانی است که تا هنوز نخل‌هایش سربریده می‌رویند و ایستاده می‌میرند.
و کربلا ابتدای دل‌هایی است که با عاشورا گره خورده‌اند.
و عاشورا روز سربلندی انسان است.
و تو خوب می‌دانی که چرا هر سال در چنین روزهایی خورشید از بلندای نیزه‌ای خونین طلوع خواهد کرد.

منابع نهضت عاشورا-۲

ابو مخنف راوی تاریخ عاشورا

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

ابومخنف یکی از راویان حماسه عاشورا به دلیل نزدیکی زمان حیات و محل زندگیش به واقعه کربلا - هفت دهه بعد در شهر کوفه - از معتبرترین راویان و روایتش از این واقعه از جامعیت برخوردار است. اما متأسفانه نسخه‌ای از متن کامل و اصلی آن در دست نیست و مقتلی که به ایشان منسوب است بنا به دلایل متعدد همانی نیست که توسط ایشان نگارش شده است. خاندان وی از اصحاب رسول خدا و یاران و یاوران امیرالمؤمنین علی(ع) بودند و خود وی به احتمالی از مجالس علمی امام صادق(ع) بهره برده است. از این رو در کتب رجالی متعدد از وی به بزرگی یاد شده است. بنابراین به نقل برخی منابع که به طعنه سعی کرده‌اند وی را عامی معرفی کنند نمی‌توان اعتماد کرد. زیرا مورخان مشهوری همچون، هشام بن محمد کلبی (م۲۰۴.ق)، نصربن مزاحم منقری (م ۲۱۲ .ق) و ابوالحسن مداینی (۲۲۵. ق) از شاگردان وی بوده‌اند.

براساس شواهد تاریخی، ابو مخنف از مورخین چیره دست زمان خود و پرکار و تلاش بوده، چنانکه قریب چهل عنوان کتاب تألیف کرده که متأسفانه هیچ‌یک در دست نیست و تنها ردی از نوشته هایش در بازنویسی سایر مورخین همانند طبری از روی کتاب وی است. با وجود این ثبت تاریخ کربلا مرهون تلاش ابو مخنف است. وی در تدوین حماسه عاشورا از هیچ کوششی فروگذار نکرده و به شیوه گفت‌وگو با شاهدان واقعه کربلا و یا کسانی که اطلاع درستی از آن داشتند به جمع‌آوری مطالب پرداخته است. از این رو مطالب وی را بایستی روایت دست اول از واقعه کربلا دانست و به گزارش‌هایش که در سایر کتب آمده اعتماد نمود. ابن ندیم در الفهرست خود می‌گوید: «دست خطی از احمد بن حارث خراز خواندم که نوشته بود، علما می‌گویند: ابو مخنف به مسائل عراق و اخبار و فتوحات آن بر دیگران برتری دارد.»

بر این اساس آنچه در «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف آمده است، با توجه به اغلاط آشکار و مطالب سست نمی‌تواند نوشته وی باشد. در کتاب طبری آنچه که رونویسی از کتاب ابومخنف است همراه با سلسله روات آن و مستند می‌باشد حال آن‌که مطالب مقتل منسوب به ابو مخنف هیچ یک راوی مشخص و شناخته شده‌ای ندارد.

علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین معتقد است: «کتاب مقتل الحسین که رایج است و دست به دست می‌چرخد و به ابومخنف منسوب است، احادیث فراوانی دارد که ابومخنف هرگز از آنها خبر نداشته و اینها را به دروغ به وی انتساب داده‌اند.» شیخ عباس قمی نیز در کتاب هدیه الاحباب در این ارتباط آورده است: «مقتل ابومخنف اگر در دست بود در نهایت اعتبار بود... ولی افسوس و آه که اصل آن مقتل مانند مقتل کلبی و مداینی و امثال آن به مرور زمان مفقود شده و به دست ما نرسیده است. اما این مقتلی که در دست است.... از وی نبوده و ساخته متأخران است.»

چنانکه گفته شد متن مقتل الحسین(ع) تألیف ابو مخنف در دست نیست و بسیاری از گزارش‌های آن در تاریخ طبری آمده است. چندی پیش متن‌های مربوط به ابو مخنف در سایر کتب مورخین به کوشش حسن غفاری استخراج و با عنوان «مقتل الحسین» منتشر شده است.

مدرسه «روزنامه‌نگاری و رسانه» راه‌اندازی شد

مجید رضاییان اعلام کرد: «مدرسه روزنامه‌نگاری و مطالعات رسانه» باهدف فعالیت در عرصه‌های آموزش، فعالیت کلینیکی و ترسیم رابطهٔ روابط عمومی و رسانه راه‌اندازی شد. به گزارش روز یکشنبه گروه فرهنگی ایرنا به نقل از روابط عمومی موسسه فرهنگی بهاران، «مدرسه روزنامه‌نگاری و مطالعات رسانه» در سه عرصه آموزش روزنامه‌نگاری رسانه، فعالیت‌های کلینیکی و تقویت رابطه روابط عمومی و رسانه، فعالیت خود را در مؤسسه فرهنگی بهاران آغاز خواهد کرد.

مجید رضاییان استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم در گفت‌وگو با خبرنگاران با اشاره به هدف تأسیس این مدرسه در روز خبرنگار افزود: کار اولیه مدرسه روزنامه‌نگاری و مطالعات رسانه آموزش است؛ آموزش با توجه به نیازهای کنونی روزنامه‌نگاری و با تأکید بر نیازهای نو شونده‌ای که امروز روزنامه‌نگاری ما با توجه به ورود به عصر وب ۳ به آن نیاز دارد .

رضاییان در ادامه تأکید کرد: بخش دوم درزمینه آموزش در حوزه مطالعات رسانه صورت می پذیرد آموزشهایی که در زمینه مطالعات رسانه مورد نیاز است در نظر گرفته شده، آن‌هم به تغییراتی بازمی‌گردد که همپای فناوری برای رسانه‌ها در وب ۳ به وجود می‌آید. اینجا بحث خود رسانه مطرح است و نه محتوای آن. بحث نوع برقراری ارتباط با مخاطب مورد توجه و تمرکز خواهد بود.

این استاد دانشگاه یاد آور شد: بخش دیگر کار مدرسه تمرکز بر «پروژه‌ها» است. ممکن است از مدرسه در خصوص انجام پروژه‌های رسانه‌ای، پروژه‌های پوشش خبری یا پروژه‌های ارتباطی درخواست کمک شود که مدرسه با کمک روزنامه‌نگاران و متخصصان کارشناس در این رشته، آن پروژه را به سامان می‌رساند.

وی در بخش دیگر، کار مدرسه یاد شده را اینگونه تبیین کرد: بخش سوم مربوط است به «رابطه بین روابط عمومی‌ها و ارتباط آن‌ها با رسانه»؛ این بخش البته دربرگیرنده تمامی موضوعات مربوط به روابط عمومی نیست بلکه صرفاً «بحث ارتباط روابط عمومی‌ها و رسانه» را پوشش می‌دهد.

رضاییان در خاتمه خاطر نشان کرد: تا امروز با دانشکده‌هایی مانند دانشکده خبر، صحبت‌های اولیه صورت گرفته است و پس از نهایی شدن اعلام می‌شود که کدام دانشکده‌ها به‌جز امضای استاد و مؤسسه، امضای بخش آموزش‌های آزاد آن دانشکده را هم در مدرکی که اعطا می‌شود، درج خواهند کرد. این مدرسه به دلیل وضعیت کرونا نتوانست مراسم افتتاحیه خود را در روز ۱۷ مردادماه و در روز خبرنگار داشته باشد اما کلاس‌ها با توجه به وضعیت کرونا از مهرماه برگزار می‌شوند.

تئاتر در عصر پاندمی

پیشنهاد

علی مددی
نویسنده

شماره یازدهم «نمایش‌شناخت» با یک پرونده ویژه آغاز می‌شود که این‌بار به موضوع پرفورمنس لکچر یا به تعبیری اجرا گفتار اختصاص یافته. این پرونده که به همت دکتر رحمت امینی جمع شده و حاوی مطالب متعددی در رابطه با این فرم تئاتری مدرن است که چندان در ایران به آن پرداخته نشده. از جمله مطالب این پرونده می‌توان به ترجمه مقاله‌ای تحت عنوان «وقتی فرم شروع به صحبت می‌کند...» توسط سحر مشکین قلم اشاره نمود. همچنین آذین محمد علی دانشجوی دکترای تئاتر در دانشگاه سوربن جدید در یادداشتی به موضوع مزبور پرداخته است. از دیگر مقالات ترجمه شده نیز می‌توان به «مقدمه‌ای بر اجرا-گفتار و کارکرد تئاتر در حوزه آموزش» اشاره کرد که بهار بنی جمالی و رحمت امینی به ترجمه آن پرداخته‌اند. دکتر آزاده گنجه استادیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران نیز در یادداشتی با عنوان «لکچرپرفورمانس-دستاوردهای برابری‌خواهانه یک ترکیب» از زاویه دیدی متفاوت به تحلیل و تبیین این فرم نمایشی پرداخته. مصاحبه دکتر پژمان دادخواه با دکتر رامتین شهبازی در باب اجرا-گفتار هم از دیگر مطالب خواندنی این پرونده ویژه است. همچنین دکتر سارا نوری که از چند شماره پیش با ترجمه‌های خود نشریه «نمایش‌شناخت» را همراهی کرده در این پرونده نیز در جستاری «به تحلیل ساختار آموزشی و اهمیت پارامترهای اجرا-گفتار در تجربه یادگیری» پرداخته است. «تئاتر در عصر پاندمی» عنوان یکی دیگر از پرونده‌های شماره یازدهم است و چنانکه از عنوانش پیداست به تأثیرات پاندمی کرونا بر تئاتر جهان خاصه ایران می‌پردازد. در آغاز این پرونده امیرحسین بابایی در مقاله‌ای مفصل به دامنه تأثیرات این بیماری بر هنر تئاتر در کشورهای مختلف پرداخته و نوع مواجهه هر یک از این کشورها و شیوه‌های حمایتی آنها از نهاد تئاتر را مورد ارزیابی قرار داده و بالاخره تئاتر کرونازده ایران را نیز از وجوه مختلف بررسی نموده است. در این پرونده نیز گفت‌وگویی مفصل با دکتر مسعود دلخواه انجام گرفته و او در این مصاحبه که تنها به موضوع کرونا و تئاتر اختصاص یافته، به تجزیه و تحلیل این پدیده هولناک پرداخته و پیرامون پیامدها و تبعات درازمدت این بیماری سخن گفته است. مهدی معصومی کارورز تئاتری مقیم امریکا نیز در گزارشی اختصاصی از فعالیت‌های جالب توجه و متفاوت گروه صدا (به سرپرستی خانم نغمه ثمینی در خارج از ایران) به عنوان الگویی موفق از اجرا و تمرین تئاتر در دوران اپیدمی سخن گفته. و از جانب دیگر دکتر فرشته وزیری نسب هنرمند ساکن آلمان نیز در یادداشت خود ضمن سخن از سنگینی سایه کرونا بر سر تئاتر از یک تجربه متفاوت و تازه دیگر یعنی نمایش آنلاین و اجرا در کلاب هاوس پرده برداشته است. گفتنی است «نمایش‌شناخت» از جمله نشریات تخصصی و خصوصی تئاتر ایران است که به سردبیری نظر احمدی و مشاوره فرهاد ناظرزاده کرمانی، حسین اسماعیلی، مسعود دلخواه و سعید فرهودی منتشر می‌شود.

هنرمندان در فضای مجازی

اوج گرفتن بیماری کرونا باعث شد هنرمندان از کرونا بیشتر بنویسند و البته در کنار این نوشتن از کادردرمان به خاطر سختی‌هایی که این مدت کشیدند تشکر کنند. همچنین روزخبرنگار با تبریک برخی از هنرمندان و تبریک متفاوت نماوا و اسنپ همراه شد.

■ **از تبریک هنرمندان تا نماوا و اسنپ**

نوید محمدزاده، رضا کیانیان، پرویز پرستویی، رامبد جوان، مصطفی کیایی، پدرام شریفی، سارا بهرامی، بهتاش صناعی، داود نامور مدیر عمارت نوفل لوشاتو روز خبرنگار را در صفحات شخصی خودشان تبریک گفتند و نماوا که این روزها دریچه‌ای برای سینما و دیدن فیلم شده است تبریک را همراه با عمل متفاوتی انجام داده است: «به بهانه روز خبرنگار و به یاد تمام خبرنگارهایی که امروز کنار ما نیستند. با همراهی جمعی از خبرنگارهایی که در مسیر اعتلای فرهنگ و هنر و همچنین ترویج باورهای انسان‌دوستانه با نماوا هم‌قدم شده‌اند، به همت محسن چاوشی، بدهی چند زندانی پرداخت شد و به زندگی برگشتند. به امید اینکه هر کدام از ما، به سهم خودمان دلیل رهایی یکدیگر باشیم.»

اما اسنپ هم به مناسبت روز خبرنگار و به یاد تمام خبرنگارانی که بین ما نیستند «جشنواره خبری نویسبان اسنپ برای حفظ محیط زیست» را برپا کرده است. در بخشی از این فراخوان آمده است: «به یاد ریحانه و مهشاد، از همه خبرنگاران، گزارشگران، عکاسان، برنامه‌سازان رادیویی و تلویزیونی و روزنامه‌نگارانی که برای پیگیری سوژه‌های خبری و تحقیقی خود در حوزه محیط زیست به‌دنبال حامی مالی هستند دعوت می‌کند تا در جشنواره خبری «نویسبان» با حمایت مالی ۲۰ میلیون تومانی مشارکت کنند. علاقه‌مندان شرکت در این جشنواره تا تاریخ دوشنبه یک شهریور ۱۴۰۰ فرصت دارند طرح اولیه خود را به نشانی pr@snapp.cab ارسال کنند.»

■ **چهره‌ها**

سعید روستایی کارگردان جوان سینمای ایران در پستی اعلام کرد که فیلم «متری شیش و نیم» چهارمین فیلم پرفروش فرانسه شد. فیلم «متری شیش و نیم» که هفته پیش اکران خود را در فرانسه با نام فرانسوی «قانون تهران» آغاز کرد توانست بعد از فروش ۱۰۹,۵۸۹ دلاری در آخر هفته اول، مجموع فروش خود را در حدود ۹ روز تا کنون به ۲۴۳,۸۷۴ دلار برساند. این افتتاحیه نسبتاً خوبی برای فیلمی ایرانی در بازار فرانسه است.

ویشکا آسایش این روزها فیلم «گورکن» به نویسندگی و کارگردانی کاظم ملایی را در اکران آنلاین دارد. او با انتشار فیلم تمرین دورخوانی فیلمنامه گورکن از مردم خواسته که فیلم را به شکل قانونی ببینند: «لطفاً با دیدن قانونی این فیلم، از سینمای مستقل حمایت کرده و به احترام سازندگان اثر، گورکن را فقط در پلتفرم‌های فیلیمو، نماوا و تلویکا تماشا کنید.»

آرمین: این خواننده بیش از یک و سال نیم است که فعالیت مجاز خود را شروع کرده است این روزها مشغول تمرین و برنامه‌ریزی برای کنسرت است. این خبری است که محسن رجب‌پور تهیه‌کننده در صفحه شخصی خود اعلام کرده است: «یادمون باشه که جامعه با ۸۰ میلیون جمعیت و سلایق مختلف احتیاج به همه گونه‌های هنری و موسیقی داره و گروه‌های سنی مختلف طرفدار سبک‌ها و صداهای مختلفی هستند، پس به نظر و علاقه دیگران احترام بگذاریم.»

فریدون جیرانی هم در صفحه خود خبر از تولید پادکست جدیدی درباره فیلم «گوزن‌ها» اثر مسعود کیمیایی داده است: «پادکستی درباره گوزن‌ها (قسمت پنجم) روزنامه‌ها پس از نمایش «گوزن‌ها» در جشنواره جهانی فیلم تهران چه نوشتند؟ در مصاحبه مطبوعاتی گوزن‌ها چه سؤالاتی پرسیده شد؟ اسم گوزن‌ها از کجا آمد؟»

■ **دعای برای سلامتی یک دوست**

دکتر مصطفی جلالی فخر متخصص بیمارهای داخلی و البته منتقد فیلم و نویسنده این روزها مبتلا به کرونا دلتا شده است. او در پستی خبر از بیماری خودش داد. این روزها هنرمندان برای این پزشک دلسوز آرزوی سلامتی دارند. ناصر صفاریان، کارگردان، مستندساز و منتقد سینمایی در صفحه خود برای او آرزوی سلامتی کرد: «صفحه‌اش را می‌بینی و پستش و کامنت‌هایش را؛ و می‌بینی چه خبر است از این همه احساسِ نیک و انرژی مثبت و دعا برای سلامتی‌اش. حاصلِ یک سال و نیم تلاش برای درمان بیماران کرونایی است و کمک‌های بسیارش به هرکسی که می‌شناخت و نمی‌شناخت، از توصیه‌های تلفنی تا هماهنگی برای پیداشدن تخت خالی... و البته و صدالبته نوشته‌های هشداردهنده‌اش در مورد کرونا و اطلاع‌رسانی درست. خب همین بس است دیگر؛ این همه دعای خیرِ پشتِ سر، خودش کفایت می‌کند؛ خدا هم که هست، خدایی که می‌بیند و می‌داند.»

■ **تازه‌های نشر**

نشر آموت در صفحه خود از کتاب «زن دوم» نوشته ماری کوبیکا با ترجمه فرشاد شالچیان نوشته است: «ماری کوبیکا نویسنده پرفروش‌ترین کتاب‌های فهرست نیویورک‌تایمز و یواس‌ای تودِی است. رمان‌های پرمخاطب «دختر خوب»، «کودک زیبا» از آثار اوست. او مدرک کارشناسی تاریخ و ادبیات امریکا را از دانشگاه میامی در آکسفورد اوهایو دریافت کرده است و در اوقات فراغتش به عکاسی و باغبانی و کمک به حیوانات بی‌سرپرست می‌پردازد.»

عکس نوشت

خیابانی در ولیعصر به‌نام مترجم و نویسنده مطرح کشورمان گره خورد؛ این خیابان که پیش‌تر «ارمغان غربی» بوده حالا به نام «استاد نجف دریابندری» تغییر یافته است. این اتفاق درپی سیصدوسومین جلسه شورای شهر در همراهی شهرداری منطقه ۳ رخ داده است. دریابندری، اردیبهشت ماه سال گذشته در سن نود سالگی با دوستداران خود و ادبیات سرزمین‌مان وداع گفت. از این نویسنده و مترجم آثار ارزشمندی به یادگار مانده است.